

۱۴۷۸۵۵۴

مجموعه اشعار

محمّد خیال

سراینده: حاج غلامرضا عقیلی

مجموعه اشعار کمند خیال

سراینده: حاج غلامرضا عقباتی (۱۳۱۵)

مقدمه و ویراستار: خیرالله محمدیان

ناشر: آوین نگار

صفحه آرای: کیانقش (حسینی لر)

طراح جلد: کوثر سالاری

نوبت چاپ: اول - بهار ۱۳۹۶

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۶۹۲۷-۹-۸

قیمت با جلد شومیز: ۱۵۰۰۰ تومان

قیمت با جلد سخت: ۱۸۰۰۰ تومان

انتشارات آوین سار

تهران، اتوبان ارتش، شهرک شهید محلاتی، خیابان جهاد، خیابان نصر ۹

بلوک ۲۹ ورودی ۱ پلاک ۴۰ تلفن: ۲۲۴۵۸۰۷

سرشناسه	: عقباتی، غلامرضا ، ۱۳۱۵،
عنوان و نام پدیدآور	: کمند خیال / سراینده غلامرضا عقباتی
مشخصات نشر	: تهران، آوین نگار ، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری	: ۲۱۳
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۹۶۹۲۷-۹-۸ : ۱۷۵۰۰۰
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
یادداشت	: بالای عنوان: مجموعه اشعار
موضوع	: شعر فارسی -- قرن ۱۴
موضوع	: Persian poetry -- 20th century
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۵ ک۲۵ق / PIR۸۳۵۴
رده بندی دیویی	: ۸۱۶/۶۲
شماره کتابشناسی ملی	: ۴۵۶۱۷۹۲

فهرست اشعار

۱۱	مقدمه استاد حاج خیرالله محمدیان
۲۳	در ستایش حضرت ربّ الارباب
۲۵	استغفار
۲۸	ای آربری خسته دلان
۲۹	جز خدا یار و دادخواهی نیست
۳۱	سخن آشنا
۳۳	در مدح خاتم النبیین خیر المرسلین (ص)
۳۵	در مناقب حضرت مولا علی (ع)
۳۷	در فضایل مولا علی (ع)
۳۹	باز به یاد پدر یتیمان
۴۱	ترجمه چند بیت منسوب به حضرت علی (ع)
۴۳	حماسه‌ی عاشورا از نینوا تا کوفه
۵۵	فروغ سر بالای نیزه
۵۸	در پیشگاه ثامن الحجج (ع)
۶۰	در انتظار مهدی موعود (عج)
۶۳	تمجید از امام خمینی (ره) مراد دل‌ها
۶۴	به مناسب سالروز ورود امام خمینی (ره) به ایران
۶۸	بازی چرخ
۷۳	راه و رسم چرخ بداختر چنین است ای برادر
۷۵	تخمیس از طئیّات سعدی
۷۷	تخمیس از بدایع سعدی

- تخمیس غزلی از حافظ ۸۰
- مخمّن غزل ایرج دهقان ۸۳
- مخمّن رنگ رخساره خبر می‌دهد از سرّ ضمیر ۸۵
- بساط شادباش کامل نباشد ۸۹
- تقلید عرفان در گذرگاه خیال ۹۰
- نقد از روی کسری مقدار ۹۱
- حسن خداداد ۹۲
- مجد مدار ۹۴
- نکوه از فراق یاران ۹۷
- به کس حسن : سایل برو دیار دیار ۱۰۰
- دادخواهی ۱۰۴
- هشدار ۱۰۶
- وداع ۱۰۸
- مرغ بهشتی ۱۱۰
- دارنده خطا دین است ۱۱۲
- یک سبد گل تو را هدیه کم است ۱۱۳
- فروکش نشد شعله‌ی عشق من ۱۱۶
- سیل ویرانگر ۱۱۷
- رهنمود آموزگار آزادی ۱۱۹
- گریز از رخ تابان آفتاب چرا ؟ ۱۲۴
- گر عمر چنینت گذرد رند جهانی ۱۲۸
- زبان فراق تسلیت یاران ۱۲۹
- در پاسخ قضاوت ابلهانه ۱۳۱
- استقامت ۱۳۴
- سفرنامه در جواب سیّد محمد سیّد ۱۳۵

- ۱۳۸ قلب مجروح
- ۱۴۰ ستم ایام
- ۱۴۴ اجر صبر
- ۱۴۸ اکسیر عشق
- ۱۵۱ خرزهره کسی گفت ز بویش خوشش آید؟
- ۱۵۲ بساط شادیش کامل نباشد
- ۱۵۳ ترجمه چند بیت منسوب به حضرت مولا علی (ع)
- ۱۵۶ گدازین باشد، یقین طرفی نیستیم
- ۱۵۸ آرزو
- ۱۵۹ شور پرواز
- ۱۶۱ دلداده
- ۱۶۳ برخورد میمون با مری آریم
- ۱۶۴ پند و اندرز
- ۱۶۶ عدو شود سبب خیر
- ۱۶۹ غفلت
- ۱۷۱ تمجید از عارف خان
- ۱۷۲ حقیقت
- ۱۷۴ تأثیر اخلاق
- ۱۷۶ بینام
- ۱۷۹ تکرار یک مژده
- ۱۸۱ شوریده
- ۱۸۴ وفای به عهد
- ۱۸۷ خدایا کس در این غفلت نماند
- ۱۸۹ افعی عروس نما
- ۱۹۱ در وصف دوستی هنرمند
- ۱۹۳ آنچه باید ناگفته بماند

- ۱۹۵ اشعار پراکنده
- ۱۹۵ برای اعلامیه فوت خواهرم
- ۱۹۶ رباعیات، دوبیتی‌ها و چهارپاره‌ها
- ۲۰۰ شمع‌ی که خاموش شد
- ۲۰۱ در سفر به یاد خانواده
- ۲۰۲ بگیر دستم
- ۲۰۳ بازگشت حاج خانم از سفر حج
- ۲۰۵ در سنگ مهندس نصیریان
- ۲۰۷ رستودن کتاب چهارده چراغ سید
- ۲۰۹ تأثیر سوت
- ۲۱۲ موهبت
- ۲۱۴ بازگشت
- ۲۱۶ افسوس از گذشته
- ۲۱۸ اندیشه محال
- ۲۱۹ شور حسن
- ۲۲۱ به یاد استاد مکرمی

مقدمه استاد حاج خیر الله محمدیان

الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى كُلِّ حَالٍ وَ الصَّلَاةُ عَلَى رَسُولِهِ بِالْغَدُوِّ وَالْأَصَالِ بِتَسْلِيمَاتِ
سَنَنَاتِ.

شعر، همواره بایه‌های دل‌تنگی‌های شاعر است و حاصل تجربیات، بازتاب احساسات و عواطف و محصول اندیشه‌های شاعر و زبان حال و قال اوست. وقتی شاعر با زاریه‌ای دیگر به دنیای پیرامون خود نگاه می‌کند و بدیهیات را به شکلی جذاب و با بیانی دیگر و برتر به نام شعر بازگو می‌کند، افزون بر این در با ایجاد رابطه بین کلمات گوناگون شخصیت دوباره‌ای به آن‌ها می‌بخشد. به خوانندگان شعر خود نیز اثر می‌گذارد و آن‌ها را به وادی‌های مختلف (فکر، تأمل، تعشق، ترخم، تحسّر و ... می‌برد. هرچه هست، اگر کلامی معنی‌دار و مخیل‌باشد و زبانی سالم، پیامی ارزشمند، اندیشه‌ای تازه، عاطفه و احساسی لطیف داشته باشد، خواندنی و شنیدنی می‌شود و اگر حامل دغدغه‌ها، مسرک انسانی باشد و به قبول عام برسد، در فهرست آثار ماندگار ادبی جای می‌گیرد.

آنچه اکنون پیش روی ماست، مجموعه اشعار استاد حاج غلامرضا عقبايي است. شاعر بی‌ادعا و عارف مسلکی که سخنانش همه‌ی توحید ربّ العالمین است:

پس بیایید شکر حق گوئیم
ناسپاسی به ذات حق ستم است



و سفارش و اندرزش که آن را «نقدی روان و پربها» می‌داند، چنگ زدن به حبل‌المتین:

بر حبل‌متین چنگ بیازید عزیزان
از من به شما جملگی این پند خطاب است

حاج غلامرضا عقبايي فرزند مرحوم کربلايي احمد نجار متولّد پنجم اردیبهشت ماه ۱۳۱۵ بهبهان است. در چندماهگی از سایه‌ی رحمت پدر در کسب سالگی از نعمت پرمهر و محبت مادر محروم شد و طعم تلخ بی‌سرپرستی را چشید. سنگین فشار فقر و بی‌سروسامانی نگذاشت مانند دیگر هم‌سالان خود به تحصیل در مدارس دولتی بپردازد؛ لذا چند سال پس از ورود به دبستان در سال ۱۳۲۴ و کسب توانایی ابتدایی خواندن و نوشتن، برای اداره‌ی زندگی خود و سرپرستی خواهرانش علی‌رغم میل باطنی مجبور به ترک تحصیل شد و برای همیشه با کلاس و درس و آموزگار، جداحافظی کرد. در نوجوانی برای تحصیل رزق و روزی حلال وارد بازار کار شد ابتدا شغل آزاد داشت. به‌سختی کار کرد تا اینکه به لطف خداوند و به‌داد سعی و تلاش و امید و توکل به یاری خدا سروسامان گرفت. با تحلیلی راجع غربت سالیان مدیدی را نیز در کشور کویت در صراف‌ی کار کرد. این همه، علاقه‌ی او به مطالعه و انس با کتاب موجب پرورش ذهن و شکوفایی غنی ذوق و قریحه‌ی شاعرانه‌ی او شد. علاوه بر قرآن، دیوان حافظ، کلیات سعدی و چند دیوان شعر از شاعران دیگر، معلمان اخلاق و مربیان تربیتی او در سفر و حضر بودند. می‌توان گفت تواضع، متانت، صفا، صمیمیت، صدق و آرامش خاصی که در رفتار و برخوردهای اجتماعی استاد دیده می‌شود و

از این رو زبانزد خاص و عام است، محصول انس و الفت مداوم ایشان با همین آثار ارزشمند و انسان ساز است. به هر حال زندگی پرفراز و نشیب حاج غلامرضا عقبایی بیانگر شخصیت خودساخته و آبدیده‌ی اوست. عقبایی سفر به بعضی از کشورهای عربی و اروپایی را نیز در کارنامه دارد. روشن است که این سفرها کوله‌باری از تجربه، بینش و معرفت را برای او فراهم نموده است.

کتاب حاضر البته همه‌ی آثار استاد عقبایی نیست؛ چرا که متأسفانه در سال‌هایی که ایشان در کویت مشغول کار بودند، بخش اعظم اشعار و سروده‌ها که در چندین دفتر یادداشت شده بود، در جریان حمله‌ی عراق به کویت از بین رفت و این هفتاد و هشت سرت سنگینی را برای همیشه در ذهن و خاطر استاد و نزدیکان و پرستان او به یادگار گذاشت. اما همین قدر نشان می‌دهد که حاج غلامرضا نقی‌شاعری تواناست و شعر و ریزه‌کاری‌ها، دقائق، ظرافت‌ها، ظرفیت‌ها و قابلیت‌های آن را خوب می‌شناسد. علاوه بر نگارنده‌ی این سطور، حاج محمد عقبایی فرزند خیر و فرهنگ‌دوست ایشان، استاد دولتی مختاران و سایر اهل قلم که از نزدیک اشعار استاد را دیده و شنیده و به حلاوت و عذوبت آن‌ها پی برده‌اند، ایشان را به چاپ اشعار تشویق نمودند. خود استاد در این زمینه گفته است:

مرا بشارت این داد حضرت استاد به گردآوری آنچه مانده بود به یاد
به درج خالی ما رونق و صفا دادی ز آنچه داشته بودیم محتوی دادی

زنگار خورده بود عقیق یمان ما این موهبت نصیب نمودی بیان ما



یعنی دم «محمدیان» بود و دیگری «حاجی محمد» ما و «استاد دولتی»

با نگاهی به اشعار این کتاب درمی یابیم که عقابیی شاعری به تمام معنا متعهد است و سخن گفتن از حق و حقیقت و التجا به اهل حق و آل عبا بیانگر این مطلب است. در سرودن شعر به لطف انس با قرآن، قلب پاک، دل رئوف، قلب مهربان و از همه مهم تر عنایت خداوندی مضامین ارزشمند و الهی انسانی و دینی را پی گرفته و جز اعتلای اندیشه و ابلاغ پیام ها و فضائل اخلاقی و انسانی هدفی را دنبال نکرده است. او شعر را ابزاری برای بیان اندیشه های پاک و انسانی و نشر فضائل و خصائل دینی دانسته و از آن به خوبی بهره برده است. او دین را عامل نجات بشر می داند:

باردار نهی خطا دین است

قلب رومن دوا تسکین است

ذهن عقابیی آهنگین است وزن، آهنگ، قافیه، ردیف و سایر اصطلاحات شاعرانه و آرایه های بدیعی حفظ، معنوی و بیانی را خوب می شناسد. از این رو نگران چیزی نیست. نهان طرح کردن خودش هم نبوده و نیست. در واقع ذوق و قریحه ی سرشار خداوندی و علاقه مندی به در دری او را به عالم شعر و شاعری کشانده است. از این رو با همه ی محجوبی اش صادقانه می گوید:

به نزد اهل ادب روی گفت و گویم نیست

ولی علاقه مرا نظم و رشته ی دری است

عقابیی طبعی روان، زبانی ساده، لحنی شیوا و بیانی رسا دارد. از این رو خوانندگان شعرش به راحتی با او ارتباط برقرار می کنند. تجربه های



شاعرانه‌ی ارزشمندی دارد. مفاهیم جزئی را با قاطعیت و شیوایی بیان می‌کند. به حکمت توجه ویژه‌ای دارد. چون از تأثیرگزیده‌گویی بی‌خبر نیست، سرودن به این سیاق را فراموش نمی‌کند؛ ازین رو مصراع‌ها و ابیات زیبا در میان اشعار او کم نیست؛ به‌گونه‌ای که بعضی از آن‌ها به دلیل روانی، سادگی، زیبایی و حکمت‌آموزی می‌تواند حکم مثل سایر را پیدا کند. هر چند که مضمون تعدادی از آن‌ها یادآور مثلی معروف است:

دن آن لشک خاله گریبان هر کس است
آرد هندی روح گرفتار کرکس است

رنگ ارچه به چشم آید، بی‌بوی عقیم است
مشک ارچه بیاد است، به تمثیل درآید

این کژی در نهاد خمیش بود
کجروی را روش بود خچنگ

مفرسا جسم و تن را کاو چو فربه
خرابه کی نگه می‌دارد اندوه؟

تیغ از هلاک می‌کند اما جلا دهد
گویند تیر دوست روان را شفا دهد

نشیندی این حدیث : حجر زر نمی‌شود
«نابرده رنج گنج میسر نمی‌شود»



بر واجب استخاره مکن، ره مبارک است... عاقل بمیرد آن که دلش
صید عشق نیست... در سر اگر طرب نبود، از کدو کم است... جان دادن و
تحصیل عزت در قرینند... کی جیفه قوت مرغ شگر خوار باشد؟ ... تا از
شجر پربار آید، خار باید... حوض لجن بر هم مزن، آزار روح است...
دل و جان جلا نگیرد چو اسیر جسم ماند... قلب در پرتو تأثیر دعا آرام
است... هر چند زیر پرده نمی ماند آفتاب ... پا ز گلیم ار
شده ایم زیادی ... خار اگر در پا خلد با سوزنی بیرون کنند... دُری که
بهائیس نرد عم شباب است...

باینکه عباس، مواد علمی و مدرسه‌ای چندانی ندارد؛ به لحاظ تسلط
به زبان عربی و انس مدرم با قرآن و کتب حدیث و نیز مطالعه‌ی دواوین
شعراى متقدم، تلمیحات و اشاره به آیات و احادیث و ابیات شعرا در این
مجموعه بسامد بالایی دارند و این یکی از ویژگی‌های اشعار اوست:

پدر ز حیل‌های انیس اگر بهشت بهشت

پسر نکرد در این بازی قرار، قرار

مگر نه کوثر اخلاص کرد سراب

ز چاه بوله‌بی می‌کشی عذاب پرا

چو یافتی گل دانش برو به چین و بچین

نهال معرفت خویشان به بار ببار

دمید نور پس از ظلمت ابوله‌بی

نماند قلب حزینی نه سوز و تاب‌وت‌بی

خدا حکایت «والعصر» را به انسان گفت
فکنده ای دل شیدا به پیچ و تاب چرا؟

«الذی جاهد فینا» به هدایت بادم از «لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ» تا «مَمَّا
تَحِبُّونَ»... با ناکسان منطق همان «قالوا سلاما...» ای خوش آن لحظه‌ی
موعود فَن مَت یرَئی...

پرداختن به مسائل اجتماعی و اخلاقی از مهم‌ترین موضوعاتی است
که ذهن و زبان شاعر را به خود معطوف کرده است و از این رو باید عقبایی
را شاعری اجتماعی و اخلاقی بدانیم که طبع خود را در اختیار نشر
عقاید اخلاقی و ترویج اصلاحات اجتماعی قرار داده و گوی توفیق را در
این راه ربوده است. روش او در سرودن شعر پیام محوری و اندیشه
مداری است. او شاعری مضمون‌گراست و داشتن پیام در شعر بسیار
تأکید دارد؛ از این رو بیت بی‌معنی نیست در این مجموعه دیده
نمی‌شود. بی‌جهت لب‌وانمی‌کند؛ چراکه معتقد است:

گر نمی‌دانی سخن، لب‌بسته به در حریم بخت، بنگان پا منه
ای بسا یک گفته شرم‌آرد به بار خویشتن‌داری به از گفتن هزار
نسبت آدمی حرامش باد آن‌که همش چراندن شک است
ایام چار فصل طبیعت یکی نماند روزی هوا ببندد و روزی رسد به جوش

خفته بختان سیبل آفات‌اند، این رسم قضا است... هفت اقلیم، خری
لنگ نمی‌پیماید... هر کس نداشت حکمت و تدبیر، نفله شد..



استاد عقابیی به دنبال پیاده کردن شگردها، رموز و فنون شاعرانه و فرم‌های زبانی خاص نیست. آنچه را که بزرگان درباره‌ی ویژگی‌های شعر کلاسیک پسندیده‌اند، در سروده‌های خود دنبال کرده است. قصیده-هایش نظم‌ی محکم و شکوهمند دارند. در مخمّس‌ها به دنبال تقلید از شاعران بزرگ نیست؛ بلکه می‌خواهد اشعار تخمیس شده را به گونه‌ی خاصش تکمیل کند. در تضمین اشعار بزرگان علاوه بر مخمّس‌گویی، گاه به گریه‌ای دیگر عمل می‌کند و مانند شعر «اجر صبر» غزلی از حافظ را در میان قصیده‌ای بجای می‌دهد. قطعاتش به رسم معمول، اخلاقی است و مثنوی‌هایش نیز به گاه رنگ و بوی حکایت‌های مولانا را به خود می‌گیرد، ساده و روان و گراست:

لا اله کفر است و نفی بطور است	حرف الا الله اثبات حق است
مسند حق تکیه‌گاه عام نیست	پخته باید در قضا با خام نیست
نصف مطلب گفتی و کافر شدی	خودآگاه از عدالت در شدی
در قضاوت از علی کن اقتباس	در طلب اول و ثم القصاص
و چه آسان نرد ایمان باختی	قول حق شنیدی و نشناختی

غزل‌هایش دل‌نشین، روان، زیبا و باشکوه است. در موعای عشقی اهورایی و الهی فضای دل او را معطر نموده و عشق پاک جان او را در همه‌ی و قال و قیل خود پرورانده است. او عشق را جان‌مایه‌ی هستی و تمام خلقت را موهبت بی‌بدیل عشق می‌داند و معتقد است که حاصل

زندگی عشق است و زیب و زینت دهر در انحصار مکتب همیشه ماندگار
عشق است:

از زندگی چه حاصل در بند جمع مال
هستی فدای موهبت بی بدیل عشق
حاجی اگر که قصد طواف و منا کند
رگزه کعبه ره نبرد بی دلیل عشق
سزی بهر جانان سر خود به باد دادم
به خنای این نازینش ز صمیم قلب شادم
سیمین بر شیشه با تنگ دهانی
گر دست دهد، سینه مده هیچ زمانی

از آنجا که به لحاظ شرایط خاص زندگی و نیاز بسیاری از شاعران طعم
درد و رنج را چشیده و چهره‌ی اندوه را دیده است، بدوهی سنگین در
بعضی از سروده‌هایش سایه انداخته است:

«عقا» به جز حزین نسراید، دلیل چیست؟

یاران؛ خدا گواست که این بی دلیل نیست

عقبایی ادبیات خاصی دارد. کلمات و ترکیباتی را به کار می‌برد که در
کلام شاعران دیگر کمتر دیده می‌شوند و گویی خاص اوست. گاه در
پروراندن مطلب از واژگان و تعبیرات قدیمی استفاده می‌کند: تنم
بخست، بدسگال، دلیل به معنی راهنما، در پیچم، هاتف به معنی سروش،



جناب به معنی درگاه، عزم رحیل، ناخودآگه، خنکا، علی حده، لاوقفه، طول مطلب، اخم روزگار، کوس من الملکی زدن، حواس خمسه، محیط راز، ملاح دهر، بحر طویل عشق و...

پایاب نیست مدعیان را محیط راز ملاح دهر غرقه‌ی بحر طویل عشق درست است که زبان شعری او با زبان شعر شاعران امروز فاصله دارد؛ اما ر سروده‌هایش سرسری، سست و ضعیف عمل نکرده؛ بلکه محکم و منجم شعر گفته است. نیم‌نگاهی به اشعار و تفکرات شاعران متقدم از جمله اجدادی، نف اصفهانی، حافظ و ... دارد و چند غزل آنان را هم تخمیس کرده است. باین همه، بعضی از ابیات در اوج روانی و سادگی و فصاحت است:

پا در این رسواگری نگذاشتی	اندکی گر درک مطلب داشتی
آبروی کم‌عیاران می‌بری	ای محک! صد آفرین، رسواگر
ار نفس هم بوی گندش می‌جهد	حرف ناسنجیده بوی بد دهد
بمقام ختنه‌ها زیر سر اوست	ز دست عشق عالم در هیاهوست
ای یار اقام، گذشتن دو حالت است	از ما گناه و از تو عقوبت، عدالت است
هر لحظه صد جوه به انوار معانی	گو مهر بیارام که شمع رخ دلداری
چراغ دولتش نهی ندارد	هر آن ناظر که منظوری ندارد
از صفات گروه ضالین است	شب‌نشینی به عیش و لهو و لعب

استفاده‌ی ایهام‌گونه از تخلص «عقبا» در پایان شعر نیز از ویژگی‌های اوست: رفت دنیایش چنین تا چون بود «عقبای» او....



سخن پایانی این که از فضایل اخلاقی عقبایی همین بس که مردی
است صادق و بی‌ریا، متین و آرام، خاکی و متواضع، سخاوتمند و دوست-
داشتنی. دلی پاک و رحیم دارد و فطرتی سلیم. شاعر فرهیخته و انسان
باکمالی است که به لطف دعای سحرگاهی به مراد دل خود رسیده است:

به خدا فطرتم قبول نکرد
جز به صدق و وفا کنم آهنگ

«عقلاء چه کریمانه به مطلوب رسیده است
با لطف دایمی که به لب وقت سحر داشت

برای ایشان طول عمر با عزت را : خداوند منّان آرزو دارم. اَللّهُمَّ اخْتِمْ
أَمُورَنَا بِأَحْسَنِ الْخَوَاتِيمِ بِحَقِّ سَلَامٍ الْأَنْبِيَاءِ أَهْلَ الْبَيْتِ الْأَصْفِيَاءِ.

خیرالله محمّدیان

۱۳۹۴/۹/۱۱